روزنامه صبح ایران
وطن امروز
VATANEMROOZ.IR
چهارشنبه | ۱۲شهریور۱۴۰۴ | ۱۰ربیع‌الاول ۱۴۴۷ | ۳ سپتامبر ۲۰۲۵ | سال هفدهم | شماره ۴۴۰۳ | ۸ صفحه | ۱۰هزار تومان
| ۱۱۹۱سال و ۲ روز گذشت |
VATAN-E-EMROOZ | VOL.17 | NO.4403 | WED.SEP.3, 2025 | ISSN:2008-2886

روایتی متفاوت و کامل از جدایی غم‌انگیز ستاره همیشه متعهد قرمزها

وداع با مرد مقاوم

صفحه ۶

ورودی‌های دهه ۹۰ سینمای ایران به شبکه نمایش خانگی

کارگردانی با آزمون و خطا

صفحه ۸

سوریه کلید منطقه

ضعف دولت جولانی و طمع ژئوپلیتیک نتانیاهو برای تجزیه سوریه، چگونه می‌تواند زمینه‌ساز تحولات جدید در غرب آسیا شود

گزارش
علیرضا حقیقت

در خاورمیانه هیچ چیز به عقب بازنمی‌گردد اما همه چیز با گذشته و تاریخ پیوند خورده است؛ این «تناقض شگفت‌انگیز» فقط در غرب آسیا یافت می‌شود.

چه آینده‌ای در انتظار است؟ نظم سیاسی خاورمیانه چه شکلی خواهد داشت و بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای چه می‌خواهند؟ پاسخ همه این سوالات شاید امروز در سوریه نهفته باشد؛ جایی که اتفاقات جاری و مهیب کنونی در آن شاید بستر تولد مقاومتی جدید در شامات شود.

یک قرن قبل، فاتحان جنگ اول جهانی موسوم به «جنگ بزرگ»، تصمیم به تجزیه «مرد بیمار اروپا» یعنی امپراتوری در حال فروپاشی عثمانی گرفتند. وزرای خارجه انگلستان و فرانسه طی توافق محرمانه «سایکس – پیکو» که ابتدا «توافقنامه آسیای صغیر» نام داشت، ریشه‌های یک بحران بی‌پایان را در منطقه کاشتند. مرزهای دست‌سازی که بین ۲ قدرت استعمارگر اروپایی تقسیم شد، یک منطقه همیشه بی‌ثبات را بنیان گذاشت.

بعد از یکصد سال، غرب آسیا دوباره در یک نقطه عطف تاریخی ژئوپلیتیک قرار گرفته است. صهیونیست‌ها از تغییر مرزهای خاورمیانه و تغییر شکل منطقه صحبت می‌کنند و بنیامین نتانیاهو از «اسرائیل بزرگ» سخن می‌گوید؛ تحولاتی که ناظران از آن به عنوان «سایکس-پیکو ۲» یاد می‌کنند. سرنخ این اتفاق در گفته توماس باراک، فرستاده آمریکا به سوریه و لبنان قابل ردیابی است؛ جایی که چند روز قبل گفت اسرائیل پس از حمله «۷ اکتبر» نگرش تازه‌ای به مرزها دارد و خطوط ترسیم‌شده در توافقنامه سایکس - پیکو را «بی‌معنا» می‌داند. باراک در گفت‌وگویی که روز جمعه منتشر شد، تأکید کرد اسرائیلی‌ها معتقدند «هر جا لازم باشد برای حفاظت از خود خواهند رفت» و افزود نگاه تل‌آویو به مرزها پس از حمله «حماس» در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ دگرگون شد.

این اظهارات در روزهایی بیان شد که باراک به همراه صهیونیست‌ها و مقامات حکومت دست‌نشانده جولانی در پاریس، نشست‌های محرمانه‌ای با هدف دستیابی به توافقات امنیتی دمشق با تل‌آویو ترتیب دادند؛ توافقاتی که می‌تواند مقدمه تجزیه سوریه باشد.

مارکو روبیو، وزیر خارجه آمریکا اردیبهشت‌ماه همزمان با سفر دونالد ترامپ به خاورمیانه در جلسه استماع کنگره از چیزی صحبت کرد که دورنمای سوریه را در طراحی آمریکایی-اسرائیلی آشکار می‌کند: احتمال جنگ داخلی و تجزیه این کشور. این مواضع در حالی بود که رئیس‌جمهور آمریکا در ریاض با ابومحمد جولانی دیدار کرد و خبر از رفع تحریم‌های سوریه داد؛ همان تحریم‌هایی که با نام «سزار» خود در دوره اول ریاست جمهوری‌اش علیه مردم سوریه وضع کرده بود.

نتانیاهو بارها بر طرح ایجاد منطقه بدون سلاح در جنوب سوریه از جمله استان سویدا تأکید و ارتش اشغالگر از دسامبر ۲۰۲۴ چندین‌بار در جنوب سوریه پیشروی کرده است. در لبنان نیز صهیونیست‌ها بارها گفته‌اند قصد عقب‌نشینی از «تپه‌های پنجگانه» در جنوب این کشور را ندارند. اسرائیل کاتس، وزیر جنگ رژیم صهیونیستی آوریل گذشته اعلام کرد رژیم حضور خود را در آنچه «مناطق امنیتی» در غزه، سوریه و لبنان نامید، چه موقت و چه دائم، حفظ خواهد کرد. حال پرسش اساسی این است: با تداوم حملات رژیم صهیونیستی به سوریه که این کشور را چند دهه به عقب رانده و در سایه دولت درمانده احمد الشرع، چه آینده‌ای در انتظار این کشور مهم عربی است؟

■ بهار پراگ یا لحظه قذافی؟

دسامبر ۲۰۲۴ شورشیان تحریرالشام (HTS) در برابر چشمان بهت‌زده جهانیان، بدون هیچ‌گونه مقاومتی از سوی ارتش سوریه، طی چند روز به دمشق رسیدند تا حکومت خاندان اسد پس از ۵ دهه پایان یابد.

اندیشکده‌ها و رسانه‌های غرب آنقدر فرصت داشتند که از فرط ذوق‌زدگی این اتفاق را «لحظه پراگ» (اشاره به انقلاب‌های اروپای شرقی در واپسین روزهای اتحاد جماهیر شوروی) بنامند اما با فرونشستن غبارها حالا به نظر می‌رسد سوریه نه رو به دروازه آزادی و پیشرفت، بلکه به سوی یک دالان تاریک هدایت می‌شود و نه با بهار پراگ که با «لحظه لیبی» پساقذافی مواجه است.

جمهوری عربی سوریه از بدو تاسیس بعد از جنگ اول جهانی همواره کانون تحولات بسیار بزرگ در منطقه بوده است. نبض خاورمیانه با اتفاقات این کشور می‌زده و هرگونه تغییر نظم سیاسی و ترتیبات امنیتی جدید در منطقه از دروازه دمشق گذشته است و در این میان ثبات، حلقه مفقوده این کشور مهم عربی بوده است. نگاهی به تاریخ سوریه نشان می‌دهد فقط در یک مقطع و آن هم بعد از روی کار آمدن حافظ اسد در دهه ۷۰ میلادی حکومت بعث سوریه موفق می‌شود یک دولت مرکزی مقتدر در متکثرترین واحد سیاسی در خاورمیانه تشکیل دهد. سوریه حافظ اسد اگرچه در جنگ ۶ روزه ۱۹۶۷ بلندی‌های جولان را از دست داد اما حداقل برای ۳ دهه یک قدرت معتبر منطقه‌ای با یک ارتش قدرتمند باقی ماند و مانعی در برابر جاه‌طلبی‌های رژیم صهیونیستی ایجاد کرد، اتحاد مصر و سوریه و تاسیس اتحاد جماهیر عربی منطقه را تحت تاثیر قرار داد، دمشق تاثیرگذارترین بازیگر لبنان بود و با قرار گرفتن در کنار ایران در جنگ با عراق، پویایی‌های خاورمیانه را دستخوش تغییرات شگرفی کرد.

اما سیر تحولات سوریه که به ۲۰۱۱ و آغاز یک جنگ جهانی در دمشق منتج شد به قدری بنیان‌های این کشور را تضعیف و فرسوده کرد که در نهایت ترکیه از این فرصت استفاده کرد و با بهره‌برداری از تحولات پساهفت‌اکتبر، زمینه را برای تحقق طمع بلندمدت خود به سوریه، مناسب دید. حالا همه چیز به نقطه اول بازگشته و تاریخ می‌خواهد از «صفر» شروع شود.

■ درگیری محتوم ترکیه و اسرائیل؟

تلاش برای تجزیه سوریه تصویر جدیدی نیست. در دهه ۲۰ میلادی تلاش فرانسه برای تقسیم سوریه به ۴ واحد کوچک‌تر یعنی دمشق، حلب و ۲ دولت کوچک اقلیت علوی‌ها و دروزی‌ها موجب مخالفت شدید علیه سیاست قدیمی تفرقه بینداز و حکومت کن شد. جولای ۱۹۲۵ دروزی‌ها یک شورش علیه دستگاه حکومتی به راه انداختند که دامنه آن تا دمشق گسترش یافت و ۲ سال ادامه یافت و صلح تنها زمانی بازگشت که یکپارچگی سرزمینی سوریه به رسمیت شناخته شد. این رویدادها سبب شد نیروهای ملی‌گرایی که طی سال‌های مبارزه با فرانسویان پراکنده شده بودند و در قالب یک بلوک ملی گرد هم آمده بودند، درصدد کسب استقلال سوریه برآیند.

حالا به نظر می‌رسد سوریه یکبار دیگر با چنین صحنه‌ای روبه‌رو شده است. تمامیت ارضی این کشور در خطر است؛ اسرائیل با حملاتش از یک طرف و دولت ضعیف جولانی که یارای هیچ‌گونه مقاومتی در برابر حملات و تجاوزات صهیونیست‌ها ندارد از سوی دیگر، زمینه تشکیل یک مقاومت جدید را مهیا کرده‌اند.

به دلیل ماهیت توسعه‌طلبانه بازیگران دخیل در وضعیت موجود سوریه، این خطر وجود دارد که این کشور بار دیگر وارد چرخه‌ای از خشونت و بی‌ثباتی شود. دمشق اکنون با چالش دشوار گذار به نظم جدید مواجه است.

همزمان تنش‌ها بین متحدان ایالات متحده یعنی ترکیه و اسرائیل در سوریه پسااسد در حال افزایش است. هر یک از آنها اهداف کاملا متضادی را در سوریه دنبال می‌کنند. ریشه‌های بحران در این واقعیت نهفته است که هم تل‌آویو و هم آنکارا سیاست توسعه‌طلبانه تهاجمی را دنبال می‌کنند و واشنگتن تاکنون تلاش چندانی برای مهار این جاه‌طلبی‌ها نکرده است. ۲ همسایه سوریه، اسرائیل و ترکیه، از خلأ قدرت برای گسترش نفوذ خود در آنجا سوءاستفاده کرده‌اند و همین حالا هم درگیری‌هایی بین آنها آغاز شده و احتمال حمله تل‌آویو به آنکارا مطرح شده است.

هاکان فیدان، وزیر خارجه ترکیه هفته گذشته ادعا کرد دولت اردوغان روابط تجاری با اسرائیل را به طور کامل قطع کرده و حریم هوایی و مسیر دریایی را نیز به روی صهیونیست‌ها بسته است.

ترکیه با هدف رسیدن به دستاوردهای غیرقانونی، مرتکب اقدامات آشکاری علیه همسایه خود شده است. در دوره اول ریاست جمهوری ترامپ، آنکارا اقدامات گسترده‌تری علیه مناطق تحت کنترل کردها در شمال سوریه انجام داد. آنکارا عملا نوار وسیعی را که فراتر از مرزهایش با سوریه امتداد دارد، کنترل می‌کند. با توجه به مانورهای خطرناک و تحریک‌آمیز هواپیماهای جنگی اسرائیل و ترکیه در حریم هوایی سوریه، احتمالا اوضاع به یک فاجعه واقعی تبدیل خواهد شد.

از سال ۲۰۱۹ که هیات تحریرالشام استان ادلب در شمال غرب سوریه را تحت کنترل خود درآورد، آنکارا با ایجاد یک منطقه حائل در شمال سوریه، به طور غیرمستقیم از آن حمایت کرد.

در عین حال، تلاش رجب طیب اردوغان برای براندازی دولت بشار اسد، در جعبه پاندورا را باز کرد. اگر سوریه وارد دورانی از خلأ قدرت شود، پیامدهای تغییر حکومت سوریه می‌تواند مانند بومرنگی به آنکارا برگردد. در این بین ترکیه نگران است در سوریه ناگزیر به مقابله با اقدامات تهاجمی رژیم صهیونیستی شود.

پایگاه «میدل ایست آی» در این رابطه می‌نویسد: اگرچه ترکیه پس از سقوط اسد، موفق شد از مزیت استراتژیک خود بهره‌برداری کند و سیاست جدیدش را بر اساس اصل «مالکیت منطقه‌ای» شکل داد و اجرا کرد که با سیاست مسالمت‌جویانه دولت اردوغان برابر مواضع تهاجمی اسرائیل در سوریه همراه شد اما در این مرحله، این راهبرد دیگر نتیجه‌ای به همراه ندارد.

در این مدت، اسرائیل ظرفیت نظامی رژیم جدید سوریه را نابود کرد، کنترل منطقه‌ای خود را بر بلندی‌های جولان گسترش داد و حملات متعدد هوایی به دمشق انجام داد تا به گفته خود «دروزی‌های جنوب» را محافظت کند.

اسرائیل به دنبال ایجاد یک حوزه نفوذ مستقیم در جنوب سوریه است؛ هم برای بیرون راندن ترکیه از منطقه و هم برای تضعیف دولت دمشق تا در نهایت سوریه‌ای ناپایدار و ضعیف شکل گیرد. تحولاتی که در اطراف سویدا جریان دارد و سیاست‌هایی که بر اساس خطوط گسل فرقه‌ای دنبال می‌شود، معماری امنیتی مورد نظر ترکیه در سوریه را نیز هدف قرار داده است. میدل ایست آی می‌افزاید: سوریه به جبهه‌ای جدید در رقابت راهبردی میان ترکیه و اسرائیل تبدیل شده است. در این شرایط برای آنکارا دشوار است بتواند بدون اتخاذ موضعی بازدارنده‌تر و صریح‌تر در برابر مداخله‌گری منطقه‌ای اسرائیل، ورق را برگرداند.

یک منبع ارشد امنیتی رژیم، هفته گذشته به المانیتور گفت رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهوری ترکیه نفوذ کشورش در سوریه را واگذار نخواهد کرد. این منبع افزود اسرائیل هاکانِ فیدان، وزیر خارجه اردوغان را کسی می‌داند که عملاً جولانی را «مدیریت» می‌کند. این منبع امنیتی صهیونیست که به شرط ناشناس ماندن سخن گفت، اظهار کرد رویکرد و سیاست دولت ترکیه بر اساس تفکر نوعثمانی برای احیای نفوذ در سراسر حوزه مدیترانه پیش می‌رود. اردوغان حامی کلیدی گروه تکفیری جولانی است و نخستین کشوری بود که هنگام به قدرت رسیدنش از او حمایت کرد. اسرائیل و دولت موقت احمد شرع منافع ویژه‌ای در توافق امنیتی دارند. جولانی به دنبال رسمیت بخشیدن بین‌المللی دولت خود و سرازیر شدن کمک‌ها به سوریه است. در همین حال، اسرائیل می‌خواهد جنوب سوریه را غیرنظامی کرده و با ایجاد خط حائل از استقرار تسلیحات استراتژیک در این منطقه جلوگیری کند. با این حال، یک منبع دیپلماتیک ارشد صهیونیست هشدار داد تل‌آویو ممکن است با ائتلافی تحت رهبری اخوان‌المسلمین که از قطر و از طریق دمشق تا آنکارا امتداد دارد، روبه‌رو شود. این منبع دیپلماتیک افزود: «ترکیه عضو ناتو و بسیار نزدیک به دولت ترامپ است. اگرچه اردوغان اسرائیل را دشمن معرفی کرده، ما هیچ قصدی برای جنگ با ترکیه نداریم؛ اگرچه در خاورمیانه هر چیزی ممکن است».

اسرائیل عمدتاً نگران حضور نظامی ترکیه در سوریه، بویژه در منطقه کردنشین شمال است که احتمال دارد به سمت جنوب گسترش یابد. یک منبع ارشد اطلاعاتی سابق اسرائیل به المانیتور گفت: «ترکیه اکنون به دنبال تسلط بر بازسازی ارتش سوریه است، بنابراین اسرائیل باید مطمئن شود کنترل را از دست نمی‌دهد». وی افزود: «مرد کلیدی فیدان است. افراد زیادی در اسرائیل او را خوب می‌شناسند. او مرد بسیار جدی و مصممی است. او می‌خواهد سوریه را به نیروی نیابتی ترکیه تبدیل کند». در همین حال یک مقام ارشد امنیتی سابق اسرائیل به المانیتور گفت: «به اردنی‌ها توجه کنید، آنها بسیار به سوریه مشکوک هستند. برخلاف ما، آنها مرز را برای کمک به دروزی‌ها باز نکردند، به جولانی اعتماد ندارند و متقاعد نشده‌اند او تروریستی در لباس غربی نیست. آنها اکنون برای نخستین‌بار به سربازی اجباری در ارتش اردن رو آورده‌اند و این نشان‌دهنده سطح بدبینی آنهاست».

■ هیچ‌کس احمد شرع را نمی‌خواهد

دولت جولانی چیزی است که در ادبیات روابط بین‌الملل از آن به عنوان دولت فرومانده (Failed State) یاد می‌شود. برای ناظران و تحلیلگران از همان ابتدا مشخص بود احمد شرع و هیات تحریرالشام فقط ابزاری برای دوره گذار هستند و کسی قرار نیست روی آنها برای آینده تشکیل حکومت برنامه‌ریزی و قمار کند.

اقدامات و ادعاهای اولیه او نسبت به حفاظت از همه اقوام و مذاهب سوریه بازتاب‌دهنده فشارهایی است که برای نشان دادن توانایی خود در تشکیل دولتی فراگیر که نماینده اقلیت‌های دینی و قومی کشور باشد، متحمل می‌شود. این چالش بویژه با بروز خشونت‌ها و کشتار وحشیانه‌ای که نیروهای تحریرالشام علیه علوی‌ها در غرب و علیه دروزی‌ها در جنوب مرتکب شده و صدها تن را کشتند، دشوارتر شده است.

از زمانی که گروه شورشی جولانی و هیات تحریرالشام، دسامبر ۲۰۲۴ قدرت را به دست گرفتند، محرز شد او قادر نیست کشوری به این گستردگی و تنوع قومیتی را اداره کند. «فارن افرز» چند ماه قبل در گزارشی نوشت: تحریرالشام با پشتیبانی ترکیه، در بخش زیادی از جنگ داخلی سوریه در استان ادلب در شمال غرب فعال بود اما روشن نیست آنچه در ادلب جواب داده، در سراسر سوریه نیز کارآمد باشد.

بسیاری از سوری‌ها، جولانی را فردی می‌دانند که آماده است تا زمانی که در مسیر دستیابی به قدرت باشد، از تعهدات و ائتلاف‌های قبلی خود چشم‌پوشی کند.

این رسانه آمریکایی می‌افزاید: تا زمانی که گروه‌هایی مانند شبه‌نظامیان دروزی در جنوب غرب که از حمایت اسرائیل برخوردارند و کردها در شمال شرق خارج از مدار قدرت باقی بمانند، تحریرالشام تنها کنترل ناقصی بر سوریه خواهد داشت. در نهایت، شرع یا باید این گروه‌ها را جذب کند یا با آنان رویارویی کند یا این واقعیت را که بر سراسر سوریه تسلط ندارد، بپذیرد. این در حالی است که سوریه با مشکلات جدی، از جمله فروپاشی اقتصادی، احتمال از سرگیری درگیری‌های داخلی و مداخلات مخرب قدرت‌های خارجی روبه‌رو است.

رهبران دروزی‌ها در سویدا از مشروعیت دولت احمد شرع در سوریه حمایت نمی‌کنند. کردها نیز بشدت به دولت وی بی‌اعتمادند. این عدم اعتماد ریشه در تجربه سال‌های گذشته دارد؛ زمانی که تحریرالشامی‌ها بارها به مناطق کردنشین حمله کردند.

پس از ۹ ماه تحولات خونین، سوریه وارد مرحله‌ای پرمخاطره شده است. احمد شرع که از دل یک جنبش سلفی شورشی برخاسته، اکنون در رأس دولتی موقت ایستاده که باید کشوری ویران، چندپاره و گرفتار تضادهای داخلی و منطقه‌ای را مدیریت کند.

ادامه در صفحه ۲

تیترهای امروز

راهبرد جدید ایران، چین و روسیه تجربه و واقع‌گرایی

این درد مشترک

صفحه ۲

هشدار نیکلاس مادورو نسبت به لشکرکشی نظامی آمریکا به سواحل ونزوئلا

بحران دریای کارائیب

صفحه ۷

نشست مشترک شورای همکاری خلیج فارس با ژاپن به بیانیه‌خوانی علیه تمامیت ارضی ایران و محور مقاومت تبدیل شد

گستاخ‌تر از قبل

صفحه ۷

اهمیت حضور ایران در نشست شانگهای در بحبوحه تلاش غرب برای تشدید فشار اقتصادی

گذرگاه رفع تحریم

صفحه ۳

رئیس‌جمهور و مسأله آفرینش «تصویر ایران»

نگاه
علی کاکادزفولی*

رئیس‌جمهور مقتدر، پیش از آنکه در سیاست به پیروزی‌های ملموس برسد، در قلمرو «تصویر» پیروز می‌شود؛ یعنی در ذهن مردم و نخبگان صحنه‌ای از خود می‌آفریند که هم اعتماد می‌آورد، هم اقتدار. این تصویر، محصول روابط عمومی پرزرق‌وبرق یا چند حرکت نمایشی نیست، برآیند هم‌افزایی ۳ چیز است: اول، ثبات در اصول و زبان سیاسی؛ دوم، توان سامان‌دهی و اجرا و سوم، نشانه‌گذاری‌های نمادین سنجیده در داخل و خارج. تصویر مطلوب رئیس‌جمهور باید به گونه‌ای باشد که در داخل، او را ادامه منطقی قانون اساسی و نهادهای ملی نشان دهد و در خارج، نماینده‌ای قابل محاسبه و عزتمند از قدرت ایران. در یادداشت پیش رو به اختصار اجزای این تصویر و نیز «نبایدها» شرح داده می‌شود. گفتنی است مخاطب این متن نه فقط رئیس‌جمهور حاضر، بلکه روسای جمهور پیشین ایران که در حال حاضر کنشگری سیاسی دارند و روسای جمهور آینده نیز هستند.

***

■ رئیس‌جمهور چگونه اعتماد ملی را جلب می‌کند؟

اولین مولفه، ادبیات منسجم و هویت‌بخش است. رئیس‌جمهور باید دال‌های مرکزی گفتمان نظام سیاسی را که در چارچوب کلی آن انتخاب شده، در گفتار روزمره‌اش تثبیت کند. ثبات واژگانی و مفهومی، ۲ اثر دارد؛ مردم در داخل احساس می‌کنند با فردی مواجهند که نقشه ذهنی دارد و کنشگران خارجی نیز می‌فهمند با تصمیم‌گیر قابل پیش‌بینی طرفند. هر تغییر بیان او باید توضیح اقناعی داشته باشد، نه محصول موج خبری.

مولفه دوم، اقتدار اجرایی محسوس است. مردم قدرت را در کیفیت خدمات می‌بینند؛ ثبات بازار، نظم در دولت الکترونیک، پیگیری پروژه‌ها با زمان‌بندی شفاف و پاسخگویی منظم. تصویر مقتدر از جنس «نتیجه» است؛ اگر قرار مشخصی در بازه زمانی مشخصی گذاشته می‌شود، گزارش باید به وقت و روشن منتشر شود، با ذکر آنچه شد و آنچه نشد و چرایی آن.

سومین مولفه، معماری درست ساختار و انسجام کابینه است. کابینه مقتدر یک صدا دارد. سخنگو واقعاً سخنگوست، وزرا در رسانه‌ها با خطوط مشترک حرف می‌زنند و اختلافات در سازوکار داخلی حل می‌شود. انتخاب مدیران باید با معیارهای حرفه‌ای و امنیت ملی همسو باشد؛ تصویر رئیس‌جمهور، بازتاب تیم اوست.

ادامه در صفحه ۶